

خبر

ضرورت استاندارد



فرهاد مهندس پور

● امروزه دیگر همه می دانیم که نبود گفتمان تئاتری در ایران، به «بحران فهم و نگرش» دولت و هنرمندان و تماشاگران ایرانی انجامیده و دستاورد آن این است که تئاتر هست ولی نهاد اجتماعی تئاتر ایران هنوز یک رؤیاست. بی‌برده باید بپرسیم که چه چیزی این امتناع غریب را ممکن کرده است. چگونه این فرایند فراهم آمده که تئاتر، در نبود فهم ضرورت خویش، ساخته و پرداخته می‌شود. به زبان دیگر، چگونه پدیده‌ای که زائیده اندیشه و آرمان اجتماعی است، توانسته بی‌نیاز از نهاد اجتماعی، صورت‌بندی شود؟ شاید یکی از دلایل آن زمینه‌های تاریخی باشد که ضرورت‌های آغازین تئاتر در ایران را رقم زده‌اند. هر چند این دلیل به‌تنهایی کافی نیست، ولی می‌تواند نشانه‌ای از این باشد که شتاب و درخشش «ضرورت آغازین» نیز هنوز فهم و تحلیل نشده است. اگر این فرض درست بنا شده باشد، معنایش این است که تئاتر ایران هنوز به چرایی و ضرورت خود، آگاه نیست. از این‌رو باید چرایی این نادانستگی را پرسید. برای آغاز می‌توانیم مجموع مسائل یا موضوعات مطرح‌شده در تئاتر ایران در سه دهه گذشته را مرور کنیم تا دریابیم که مهم‌ترین مسئله مورد توجه تئاتر ایران چه بوده است و احتمالا در چه برهه یا درنگ‌هایی، چیزی یا موضوعی مطرح شده است که بتواند شان «مسئله» داشته باشد. به روشنی مسئله تئاتر ایران چه بوده است؟ و دیگر اینکه با چه مسائلی روبرو بوده که به بیان نیامده‌اند. چگونه پدیده‌ای مانند تئاتر که مدعی بیان اجتماعی است، از بیان خود وامانده است؟ چگونه پدیده‌ای که این همه در ناآگاهی از تنگناهای خود به‌سمر می‌برد، می‌تواند ششانی مانند یک نهاد اجتماعی را برای خود تصور کند؟ این «بحران فهم و نگرش» تئاتر ایران است که شناخت ریشه‌ها و عوامل آن نیازمند پژوهش است. تئاتر ایران برای زنده‌ماندن رنج می‌کشد و توانمندی و نیروهایش را برای به‌دوش‌کشیدن مسئولیت اجتماعی خویش، به زحمت می‌اندازد و با این همه حاضر نیست از خواب خوش تاریخی خود بیدار شود. این همه فریاد و ناله و گلابیه جای خالی «بیداری در گفتمان تئاتری» را بر نمی‌کند. هم‌قطار دانشمندان، رضا سرور، چند سال پیش از این، یادآور شدند که هنرمندان تئاتر ایران تأملات و تجربیات خود را ثبت کنند. این پیشنهاد آغازی برای فراهم‌آمدن امکان نقد و گفت‌وگو در تئاتر ایران است که به صلاحمان است آن را جدی بگیریم. تئاتر ایران هم‌زمان، نیازمند اصلاح و استاندارد ساختارها و فرایندهای تولید است. جشنواره‌ها و رویداد‌های مانند آن، فرصتی برای آشنایی و تبادل همین فرایندهاست. پیشنهاد آوردن دشت‌آزاد برای برگزارای دوره تخصصی تهیه و مدیریت تئاتر که با استقبال چند نهاد اجرایی دولتی روبه‌رو شده است، مجالی برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند برای آگاهی از نحوه بهبود فرایندهای تولید و تعامل تئاتر ایران در سطح ملی و بین‌المللی است که به‌سادگی فراهم نیامده و برای نخستین‌بار طراحی و اجرا خواهد شد. به‌ویژه پس از اینکه در سال‌های پایانی دهه ۸۰ خورشیدی، تئاترهای خصوصی آغاز به کار کرده‌اند، گهگاه شاهد واکنش‌ها و بایده‌نبایدهایی بوده‌ایم که نشان‌گر دو نکته‌اند؛ یکی اینکه برخی نگران‌اند و باور ندارند که این تجربه را بی‌خطا نمی‌توان پشت‌سر گذاشت و از سوی دیگر باید به آنان حقد داد، زیرا این تجربه‌ای است که آموختن در بی‌زمینه و دانش، چه‌سبا مشکلات دیگری را به فرایندهای تولید تئاتر بیفزاید یا تئاتر را به صرف یک بازار، کاهش دهد. طراحی موضوعات و درس‌ها در «دوره تخصصی تهیه‌کنندگی تئاتر در ایران» با هدف شناخت استانداردهای مدیریت شبکه تولید، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی‌شده است که آموختن در فرم گفت‌وگو رخ دهد و از این‌رو می‌توان آن را برنامه‌ای سنجیده و به فوریت مورد نیاز نام نهاد. مدیران، هنرمندان و استادان خارجی دعوت‌شده برای این دوره، جزء بهترین‌ها هستند که برای نخستین‌بار در برنامه‌ای آموزشی در ایران گرد هم آمده‌اند؛ از این جهت کشور، در اندیشه فرهنگ و پرتلاطم، در جای جای کشور، در اندیشه است و هنرند، دست سیاست باید برافراشت.

خبر

یک روز با قفل ساز ملکان

● **گروه هنر:** جشنواره فیلم مستند آذربایجان از پنجم تا هشتم شهریور در محل پردیس سینمایی ستاره باران برگزار شد و فیلم مستند «یک روز با قفل‌ساز ملکان» جایزه ویژه هیئت داوران این جشنواره را به خود اختصاص داد.

بهناز شیربانی؛ از ماه‌ها پیش درست از زمانی که

زمره‌های ساخت فیلمی جنگی توسط بهرام توکلی و سعید ملکان رسانه‌ای شد و کارکنجاود دین این فیلم کرد. بهرام توکلی کارگردانی است که با استناد به آثارش بسیاری از سینمایی‌نویسان او را با دیدگاه‌های روشنفکرانه‌اش توصیف می‌کنند و در سال‌های حضورش در سینما، بسیاری از همین آثار از دیدگاه اهالی سینما و مخاطبانش تحسین شده است و حال او به سراغ گونه‌ای از سینما رفته که برای برخی غیرمنتظره و بی‌شباهت به آثار پیشینش است، اما نکته اصلی و مهم ساخت این فیلم حضور سعید ملکان در مقام تهیه‌کننده است. کافی است فیلم‌های شاخص سال‌های گذشته سینمای ایران را مرور کنید، خصوصا فیلم‌هایی که سینماگرانی جوان را به سینمای ایران معرفی کرده است. بدون تردید حضور سعید ملکان به‌عنوان تهیه‌کننده‌ای که فیلم‌نامه را می‌شناسد، تحلیل درست و دقیقی روی متن دارد و شرایط تولید را دقیق و درست می‌داند، عیار این آثار را مشخص می‌کند. بی‌تردید او تهیه‌کننده‌ای دغدغه‌مند است که بیش از هر چیز کیفیت اثر برایش اهمیت دارد. به همین دلیل تا روزهای منتهی به جشنواره سی‌وششم فیلم فجر، خبری از «تنگه ابوقریب»، فیلمی که پدیده جشنواره لقب گرفت، منتشر نشد و در شرایط جغرافیایی بسیار سخت گروه «تنگه ابوقریب» بی‌هیچ حاشیه‌ای مشغول کارشان بودند. «تنگه ابوقریب» فیلم مهمی در سینمای ایران و در کارنامه بهرام توکلی است؛ فیلمی که مختصات سینمای جنگ را چه در روایت و چه در بخش تولید و مباحث فنی تغییر داده است. تا پیش از این نام «تنگه ابوقریب» و رشادات‌هایی که در دوره‌ای سخت از جنگ ایران و عراق رقم خورد و در جایی از تاریخ این کشور کم شده بود مطرح نشد و حال بعد از گذشت سال‌ها به استناد این فیلم می‌توان از روزی سخن گفت که اگر مقاومت رزمندگان در آن دوره تاریخی و تنها چند روز پیش از اتمام جنگ نبود، اتفاق دیگری برای این کشور رقم می‌خورد. اما پیش از هر چیز می‌توان به رویکرد سازندگان این فیلم به سینمای جنگ پرداخت. بهرام توکلی برای نخستین‌بار ساخت فیلم جنگی را تجربه کرد، اما قطعا ورودش به این حوزه بدون آمادگی و مطالعه و تجربه نبوده است. توکلی اخیرا در گفت‌وگویی با مجله فیلم درباره همین موضوع سخن گفته است: «از وقتی ساخت آثار مستند را شروع کردم، در مرحله پژوهش و نگارش متن، جنگ را بررسی کردم و کم‌کم جز، محدوده‌های همیشگی علاقه‌مندی‌هایم شد. مستندی درباره جانبازه‌های اعصاب و روان به نام «فصل سرد» ساختم و همیشه موضوع جنگ هشت‌ساله برایم موضوع بسیار مهمی بوده. نسل ما هرچقدر با جنگ فاصله داشته باشند باز هم نسبت مستقیمی با آن

دارند و تحت‌تأثیر نشانه‌ها و عوارض بزرگ شده‌اند. به همین دلیل تل ذهن فیلم‌سازان هم‌نسل من همیشه این فکر هست که اگر روزگاری فضا مساعد شد، فیلمی درباره جنگ بسازند؛ حالا هرکسی با روحیه و سلیقه و از زاویه دل خودش… کم‌البتکه در طول این سال‌ها کارهای درجه‌یکی هم انجام شده و فیلم‌سازان هم‌نسل من فیلم‌های مختلفی، از کم‌دی تا مستند، درباره جنگ ساخته‌اند. به‌هر حال جنگ هشت‌ساله با عراق برای تمام مردم این سرزمین مسئله‌ای مهم بوده و سرنوشت میلیون‌ها نفر را تحت‌تأثیر قرار داده، من هم یکی از همان میلیون‌ها نفرم. کسی نمی‌تواند بگوید «جنگ حضور مسئله تو شد»، چون جنگ مسئله مردم و کشور بوده و هست». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «ایده اصلی فیلم مربوط به سعید ملکان بود. من با سعید ملکان از زمان «پرسه در مه» و «اینجا بدون من» همکاری داشته‌ام و ایده اصلی را او به من پیشنهاد داد. به نظر قصه جالبی بود و جنس خاصی از سینمای جنگ را بازتاب می‌داد و ضمنا تمام داستان در مدتی کوتاه اتفاق می‌افتاد و ماجرایش در روزهای حساس یابانی جنگ می‌گذشت.

با اینکه بهرام توکلی برای نخستین‌بار فیلمی جنگی با چنین پروداکنشی را مقابل دوربین برد، اما تجربه گروهی که در کنارش بودند و تجربه ساخت آثار جنگی را در کارنامه‌شان داشتند به کیفیت هرچه بهتر فیلم کمک کرد. در این میان باید به حضور چشمگیر طراح و گروه چهره‌پردازی، مدیر فیلم‌برداری و گروهش و البته گروه صحنه و لباس اشاره کرد. کافی است به راکورد سخت‌گیرم در طول چند ماه فیلم‌برداری خوب نگاه کنید که قطور به مرور و هرچه با قصه پیش می‌رویم چهره‌پردازی مثال‌زدنی بازیگران و حتی هنروران بر تعداد فاصله داشته باشند باز هم نسبت مستقیمی با آن

روستای در حال سوختن

و دفاع ندارند، «تنگه ابوقریب» فیلمی بود که منو برد به دوران کودکی؛ به دوران دورشدن از روستایی که می‌سوخت. بعضی‌وقت‌ها می‌شوم

که بعضی‌ها برای رسیدن به آرزوهاشون احساس می‌کنن باید کسی بیاد و نجاتشون بده، این بعضی‌ها اگر می‌دونستن تصویر ترساک روستایی که دارم

می‌سوزه قراره تا ابد تو ذهن بچه‌هاشون کج بشه، هیچ‌وقت آرزوی جنگ نمی‌کردن.

چرا «تنگه ابوقریب» فیلم مهمی است؟



بهرام توکلی و سعید ملکان

فیلم، ما را به شخصیت‌ها و آلامشان نزدیک‌تر می‌کند یا فیلم‌برداری مستندگونه حمید خضوعی ایبانه که پیش از این همکاری با بهرام توکلی را تجربه کرده است تا چه حد واقعیت جنگ را به مخاطب القا می‌کند و نمای پلان- سکانس پنج‌دقیقه‌ای فیلم یکی از تأثیرگذارترین و دشوارترین صحنه‌هایی است که با وجود انفجارهای متعدد به یکی از زیباترین صحنه‌ها تبدیل شده است. دقت و وسواس در تمامی مراحل ساخت فیلم را می‌توان نقطه قوت «تنگه ابوقریب» دانست.

پرداخت‌قصه

«تنگه ابوقریب» باورپذیر و ملموس است، این را نمی‌توان انکار کرد که مخاطب در سالن تمام مدت با شخصیت‌های فیلم همراه می‌شود و هر لحظه با آنها همدات‌پنداری می‌کند. در این میان، از زمان نمایش فیلم در جشنواره و بعد از آن در اکران عمومی، فیلم به گفته برخی منتهم به قصه‌گونبودن یا به تعبیری قصه‌نداشتن شد. از جهت دیگر برخی از اینکه به چه دلیل جغرافیای ابوقریب را در فیلم به‌طور کامل نمی‌بینیم، انتقاد کردند. شاید بد نباشد از زاویه‌ای دیگر به فیلم نگاه کنیم. بهرام توکلی به بخشی کمتر دیده و روایت‌شده از جنگ ایران و عراق نگاهی انداخته‌اند. چند روز قبل از اتمام جنگ، وقتی بسیاری از رزمندگان با برگه مرخصی در دست عازم شهرشان بودند، خبری از شیمیایی‌زدن عراق و شرایط نابسامان جنگ در چند کیلومتر جلوتر باعث می‌شود تا گردان عمار عازم عملیاتی سخت شود و چه داستانی جذاب‌تر از این؛ علاوه بر این اساس در این فیلم جغرافیا به معنای تاریخی آن نمی‌تواند خیلی محل بحث و مجادله باشد. این فیلم تلاشش را کرده تا در تصویرکردن موقعیت رزمندگان ایرانی بخشی از آنچه را در «تنگه ابوقریب» گذشته تصویر کند و چه نیازی به بازسازی عین به عین لوکیش؟

نگاهی مدرن به سینمای جنگ

کلیشه‌ای و تکراری، با واقعیت تلخ و تاریک دوران جنگ هشت‌ساله مواجه شود. به‌این‌ترتیب نخستین تجربه‌اندوزی بهرام توکلی در سینمای دفاع مقدس، تلاش موفق و جسورانه‌ای است. در فیلم بازیگران جوانی مانند امیر جدیدی و جواد عزتی نقش آفرینی می‌کنند که تا پیش از این تجربه بازی در فیلم‌هایی از این دست را نداشتند و با قدرت از عهده آن برمی‌آیند تا بُعد تازه‌ای از بازیگری خود را نشان دهند.

همگام‌شدن باقهرمان‌های فیلم

یکی از ویژگی‌های دیگر «تنگه ابوقریب» مسیری است که برای شخصیت‌پردازی در نظر گرفته است. فیلم با دیالوگ شخصیت‌ها آغاز می‌شود و به مرور برای مخاطب خاستگاه هرکدام از آنها و طبقه اجتماعی و دغدغه‌هایشان مشخص می‌شود و از آن به بعد مخاطب هر لحظه دلش با شخصیت‌هایی است که انگار سال‌هاست آنها را می‌شناسد. قهرمانانی که برخلاف سایر فیلم‌های جنگی که تا پیش از این می‌شناختیم، کاملا زمینی‌اند. شاید در برخورد اول با فیلم حس شود که حادثه بر شخصیت‌ها غلبه دارد؛ درصورتی‌که شخصیت‌ها هرکدام هویتی دارند و هویتشان با مفهوم جنگ گره خورده است. خلیل با بازی حمیدرضا آذرنگ که در چند دیالوگ شخصیتش را خوب می‌شناسیم، کمتر علاقه‌ای به ثبت یا ماندگاری

خاطره‌ای در ذهنش دارد و مرگش هم به‌نوعی تمثیلی از شخصیتش است؛ وقتی تکیه به تانک زده و نفس‌های آخرش را می‌کشد، به خوابی ابدی فرو می‌رود. مجید با بازی جواد عزتی از دقایق ابتدایی فیلم تا انتها رسالتی جز رسیدگی به سه‌هم‌زمانش و نجات جانانشان ندارد و تا آخرین نفسش، زمانی که تیری به سرش می‌خورد و جان می‌دهد، وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. حسن با بازی امیر جدیدی ایفاگر شخصیت کلیدی این قصه است؛ او با لحن طنزش که به زیبایی و به‌اندازه در فیلم استفاده شده است، تلخی اطرافش را به شیرینی بدل می‌کند و خودش در انتها به ترازیک‌ترین وضع دچار می‌شود و جنگ بیش از همه نسبت به او می‌رحم است. بهرام توکلی در سکانس ابتدایی فیلم آرامش و فاصله زندگی و مرگ را به‌خوبی تصویر کرده است. به‌خاطر بیاورید پلانی را که در آن مندلی‌هایی را می‌دیدیم که تا چند لحظه پیش شخصیت‌های قصه روی آنها نشسته بودند و بعد از مدتی دوربین‌بار دیگر به میز و صندلی‌ها بازمی‌گردد و تنها لب‌وای‌های خالی و لب‌وایی نیم‌خورده را می‌بینیم. در این فیلم حتی فرعی‌ترین شخصیت‌ها هم به‌خوبی پرداخت شده‌اند و حتی نمی‌توان پلانی را مثال زد که قابل حذف‌شدن از فیلم باشد. این به معنای رعایت استاندارد و دقت تولید و کارگردانی فیلم کامل و عیار و کیفیت «تنگه ابوقریب» را از ساخته‌های این‌گونه سینمایی متمایز می‌کند. فیلمی که بعد از دیدنش سیلی محکمی به گوش مخاطب می‌زند، او را از تلخی‌ها و مصیبت‌های جنگ بیزار می‌کند و با تمام وجود آرزو می‌کني که ای کاش بار دیگر چنین اتفاقاتی تجربه نشود. «تنگه ابوقریب» در تاریخ سینمای ایران و در سینمای جنگ فیلم مهمی محسوب می‌شود که باید قدرش دانسته شود.

زیر آسمان فیروزهای

عصری با فردوس اعظم

● **گروه هنر:** درخت تنومند ادب پارسی، امروز در سراسر ایران‌شهر سایه گسترده است و شعر امروز ایران، افغانستان و تاجیکستان نیز شاخساران سایه‌گستر آن هستند. امروز از کشورهای فارسی‌زبان، سرایندگانی برخاسته‌اند که کوله‌باری از دانش و تجربه نسل‌های پیش را بر دوش دارند و نگاهشان به راه پرفرازونشینی است که تا آینده‌ای درخشان‌تر ادامه دارد. پیوندهای بیشتر، همنشینی و هم‌اندیشی سرایندگان پارسی‌گو، همراه با دگرگونی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی چند دهه اخیر، زمینه رشد بهتر و بیشتر این سخنوران نواندیش را فراهم آورده است. فردوس اعظم، شاعر جوان تاجیکستان، یکی از این سرایندگان است. تاکنون از فردوس اعظم سه دفتر شعر با نام «ابراهی آبی»، «یک بغل غزل» و «آیین آینه» منتشر شده است. نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، ۱۳ شهریور، ساعت ۱۶:۳۰ با نقد و بررسی سروده‌های فردوس اعظم اختصاص دارد که با حضور ناصر فیض، دکتر ابراهیم خدیار و دکتر مریم مقدم در مرکز فرهنگی شهر کتاب، واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

فروش ۲۲ عکس در حراج تابستانی کالری‌مژه کیارستمی پیشتاز است

● **گروه هنر:** استقبال جالب‌توجه از حراج تابستانی عکس کالری مژه سبب شده این رویداد تا سه‌شنبه، سیزدهم شهریورماه، تمدید شود. این در حالی است که در هفته نخست، ۲۲ عکس به فروش رسیده و چنان‌که انتظار می‌رفت، عباس کیارستمی با فروش دو عکس از مجموعه باران، با قیمت‌های مشابه ۲۸ میلیون تومان پیشتاز است. دیگر هنرمندانی که بیش از یک عکس به فروش رسانده‌اند: «محمد سرخانی سه عکس، بابک حقی (کیورتور این حراج تابستانی) و مریم سعیدپور هرکدام دو عکس. در همین راستا عکسی از شادی قدیریان، از مجموعه قاجار و عکس‌هایی از بابک کاظمی، مرجانه حسین‌پور، امید شلمانی، آی‌تای شکبافر، الی عابدی، سهیل بهروز، جلال شمس‌آذران، قاسم فتحی، آذین راد، حامد نصرآبادیان، مهدیه افشار و غزاله صداقت فروخته شده‌اند. مژه طباطبایی، مدیر کالری مژه، ادای دین به جامعه عکس ایران را دلیل اصلی برپایی چنین رویدادی خواند و گفت: «قصد داشتم نمایشگاه عکس متفاوتی از عکاسان ایران در آرت‌ف ففلیس برگزار کنم که به جهت مشکلات ارزی پیش‌آمده میسر نشد. اکنون این حراج تابستانی توسعه‌یافته‌آن رویداد است تا شاید در داخل کشور تلنگری به مارکت عکس باشد». در این رویداد عکس‌هایی از ۷۸ عکاس از چهار نسل هنر کشور به نمایش و فروش گذاشته شده است. قیمت‌گذاری آثار از ۳۰۰ هزار تومان آغاز و اکثریت عکس‌ها زیر دو میلیون تومان عرضه شده‌اند. همین استراتژی نشان می‌دهد برگزارکنندگان در پی تشویق مردم به خرید عکس هستند؛ البته جای نام‌های بزرگ هم در این حراجی فراموش نشده، اما حتی برای آثار این چنینی هم قیمتی پایین‌تر از بازار هنر در نظر گرفته شده است؛ بابک حقی کیورتور این نمایشگاه، می‌گوید: «جمع‌آوری این مجموعه چهار ماه طول کشید. سعی کردم از ژانر‌ها و ایده‌های مختلف در این نمایشگاه بهره ببرم؛ هدف این بود که قیمت‌ها تا جاهای دیگری که روی این آثار گذاشته می‌شود کمتر باشد تا علاقه‌مندان به هنر با هر قدرت خریدی بتوانند مطابق سلیقه و توانشان اثر خریداری کنند». حراج تابستانی عکس کالری مژه، دوم شهریورماه آغاز شد و تا سیزدهم شهریور در سعادت‌آباد، خیابان علامه شمالی، خیابان هجدهم شرقی، پلاک ۱۷، رنگ اول پریاست. علاقه‌مندان غیر از شنبه، از ساعت ۱۶ می‌توانند برای مشاهده آثار و خرید به این کالری مراجعه کنند.

زمان برگزاری جایزه آکادمی سینماسینما اعلام شد

● **گروه هنر:** زمان برگزاری آیین پایانی نخستین جایزه آکادمی سینماسینما اعلام شد. به گزارش روابطعمومی جایزه آکادمی سینماسینما آیین پایانی این آکادمی روز یکشنبه، ۱۸ شهریور، ساعت ۱۹ در هتل پارسیان انقلاب تهران برگزار می‌شود. در این مراسم، نامزدهای جایزه، اعضای آکادمی، جمعی از اهالی رسانه و جمعی از سینماگران حضور خواهند داشت. همچنین پوستر نخستین جایزه سینماسینما با طراحی افشین ضیاییان و عکسی از مریم سعیدپور رونمایی شد. نخستین جایزه آکادمی سینماسینما به دبیری کیوان کتیریان و ریاست کیناوش عیاری برگزار می‌شود.

پوستر چهارمین جشن عکاسان سینما رونمایی شد

● **کسروه هنر:** پوستر چهارمین جشن عکاسان سینمای ایران به دبیری نیکی کریمی با طرحی از امیرشعین شجاعی رونمایی شد. همچنین در این دوره از جشن و یک پیش‌کسوت عکاسی سینما، بازیگران، کارگردان و تهیه‌کننده‌ای که بیشترین تعامل را با عکاسان سینما داشته‌اند، تجلیل خواهد شد.

هنر



شده و حالا از ذات زندگی و رقابت برای بقا بریده و با علم به بی‌ارزش‌بودن تمامی شکست‌ها و پیروزی‌ها به استقبال مرگ می‌رود. شاید زیباترین توصیف موقعیت آنها، همین جمله در متن باشد که موف به ناموف می‌گوید: فرق من با تو اینه که تو از زندگی خودت بدت میاد و منن از خود زندگی. این تفاوت، سبک نگاه موف به زندگی را برجسته می‌کند. درواقع ناموف به‌قدر، در مسائلی ابتدایی زندگی بشری نشانه‌اندست‌یوا زده که فرصتی برای راه پیداکردن به مسائل عمیق‌تر و مفاهیم ماهیت وجود و معنای زندگی برای او ایجاد نشده است. درمقابل موف از تنازع برای بقای بشری دست کشیده و به پوچی ذات زندگی، فارغ از زندگی شخصی‌اش پی برده است. حریم این دوقطبی، در ساختار هرم «مزلو» به خوبی قابل‌تبیین است. هرم سلسله‌مراتب نیازهای مزلو با طور خلاصه هرم مزلو، نظریه «ابراهام مزلو»، نظریه‌پرداز کلاسیک مدیریت، در مورد نیازهای اساسی انسان است. به اعتقاد مزلو: نیازهای آدمی از یک سلسله‌مراتب برخوردارند که رفتار افراد در لحظات خاص تحت‌تأثیر شدیدترین نیاز قرار می‌گیرد. هنگامی که از ضای نیازها آغاز می‌شود، تغییری که در انگیزش فرد رخ خواهد داد این‌گونه است که به‌جای نیازهای قبل، سطح دیگری از نیاز، اهمیت یافته و محرک رفتار خواهد شد. نیازها به همین ترتیب تا پایان سلسله‌مراتب نیازها اوج گرفته و پس از ارضا، فروکش کرده و نوبت به دیگری می‌سپارند. در این نظریه، نیازهای آدمی در پنج طبقه قرار داده شده‌اند. به‌این‌ترتیب ناموف با حضور ابتدایی در صحنه اقدام به خوردن خوراکی می‌کند (نیاز اول: نیازهای زیستی) و بعد از سیرشدن، محیط اطرف خود را بررسی کرده و بعد از امن تشخیص‌دادن موقعیت خود (نیاز دوم: نیازهای امنیتی) دست به اقدام منورندطرش که همان خودکشی است می‌زند. حضور موف و زن رموز باعث ایجاد ارتباطی اجتماعی شده (نیاز سوم: نیازهای اجتماعی) و در کردن این ارتباطات، ناموف خود حقیقتی‌اش